



Space Justice in Iran and the Political Organization of Space in Tehran

ARTICLE INFO

Article Type

Descriptive Study

Authors

Ghaderi Hajat M.* PhD,
Mokhtari Hashi H.¹ PhD

How to cite this article

Ghaderi Hajat M, Mokhtari Hashi H. Space Justice in Iran and the Political Organization of Space in Tehran. Political Spatial Planning, 2019;1(1):31-38.

*Political Geography Department, Humanities Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
¹Geography and Rural Planning Department, Humanities Faculty, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Correspondence

Address: Political Geography Department, Humanities Faculty, Tarbiat Modares University, Nasr Bridge, Jaleh-Al-Ahmad Highway, Tehran, Iran.
Phone: +98 (21) 82883671
Fax: +98 (21) 82883671
mghaderi4@gmail.com

Article History

Received: November 8, 2017
Accepted: January 30, 2018
ePublished: March 3, 2019

ABSTRACT

Introduction Nowadays, Tehran is the most important challenge of political management of space in Iran due to the accumulation of problems in natural and human dimensions. The most important dimensions of this challenge are population density and the lack of coordinated management to overcome this problem and its consequences. Since one cannot consider Tehran separated from far and near hinterland, the first issue is the lack of spatial/geographical justice in these hinterlands. Tehran's problems can be analyzed in three levels: physical-residential, regional, and national. This descriptive-analytical research was carried out based on library resources with the aim of analyzing spatial justice in Iran and organizing political space in Tehran.

Conclusion The lack of spatial planning and sustainable development approach on the national, regional, and local scale in the Iranian planning system has, above all, resulted in intense centralization, institutionalized, and has led to the formation of the center of the periphery pattern in the country. The performance of development programs, before and after the revolution, has led to the imbalance of the governing pattern of the spatial structure of the country. Also, the spatial/geographical injustice in the country and consequently in Tehran province, as well as the lack of integrated management in Tehran's urban management have caused Tehran's current problems. In order to solve the problems of Tehran and its optimal administration, it should be planned based on the available resources with the fair spatial planning approach to space and in the framework of the spatial planning strategy, using the space justice in three short, medium, and long periods, in order to provide the optimal administration of Tehran.

Keywords Space Justice; Spatial Planning; Political Organization of Space; Tehran; Iran

CITATION LINKS

[1] What is the organization of Tehran? [2] The city and spatial justice [3] Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development [4] Mohammad Reza Hafeznia [5] An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities [6] Spatial justice in urban dual spaces (geopolitical explanation of inequality patterns in the margin of Mashhad) [7] Industrial location and project efficiency [8] Applied geography & land use planning [9] Regional planning: A comprehensive view [10] Urban landuse planning [11] Birth announcement [12] Political organization of the cultural space and functional regions of Iran. Geopolitics [13] The political organization of space [14] Analysis of the causes and circumstances of Tehran centralization in the past three decades [15] Designing a model for spatial justice in countries, case study: Iran [16] Report of the provinces of the country from the perspective of regional accounts in 2011 with an emphasis on the 15 sections [17] Evaluation of development rate in Tehran province [18] Analysis of barriers to creating integrated urban management with an emphasis on the role of governmental institutions, case study: Tehran [19] Managerial analysis of Tehran city

عدالت فضایی در ایران و سامان‌دهی سیاسی فضایی شهر تهران

مصطفی قادری حاجت* PhD

گروه جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

حسین مختاری هشی PhD

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه تهران به واسطه تراکم مشکلات در ابعاد طبیعی و انسانی، مهم‌ترین چالش مدیریت سیاسی فضا در کشور است. از مهم‌ترین ابعاد این چالش، تراکم جمعیت و فقدان مدیریت هماهنگ برای چیره‌شدن بر این مشکل و مشکلات ناشی از آن است. از آنجا که نمی‌توان از نظر فضایی تهران را جدا از پس‌کرانه دور و نزدیک در نظر گرفت، اولین مسأله‌ای که به چشم می‌آید فقدان عدالت فضایی/جغرافیایی در این پس‌کرانه‌ها است. مشکلات تهران در سه مقیاس کالبدی- سکونت‌گاهی، منطقه‌ای و ملی قابل تحلیل هستند. این پژوهش توصیفی- تحلیلی با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و با هدف تحلیل عدالت فضایی در ایران و سامان‌دهی سیاسی فضایی شهر تهران انجام شد.

نتیجه‌گیری: فقدان رویکرد آمایش و توسعه پایدار در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی در نظام برنامه‌ریزی ایران قبل از هر چیز منجر به تمرکزگرایی شدید و نهادینه شده و شکل‌گیری الگوی مرکز پیرامون در کشور را نیز در پی داشته است. عملکرد برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب نیز به نامتوازن شدن الگوی حاکم بر ساختار فضایی کشور منجر شده است. همچنین بی‌عدالتی فضایی/جغرافیایی در کشور و به تبع آن در استان تهران و همچنین فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری تهران مشکلات امروز تهران را سبب شده است. برای حل مشکلات تهران و اداره بهینه آن باید با توجه به منابع موجود با رویکرد آمایش عادلانه به فضا و در قالب استراتژی آمایش سرزمین با استفاده از تاکتیک عدالت فضایی در سه افق کوتاه، میان و بلندمدت برنامه‌ریزی کرد. تا زمینه اداره بهینه شهر تهران فراهم شود.

کلیدواژه‌ها: عدالت فضایی، آمایش سرزمین، سامان‌دهی سیاسی فضا، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۰

*نویسنده مسئول: mghaderi4@gmail.com

مقدمه

تولید نابسامانی، بخشی جداناپذیر از نظام سرمایه‌داری است، بنابراین نظم‌بخشیدن به آن فعالیت‌ی پایا و پویا است. از این رو در ایران رویکرد سیستمی که مرحله نهایی پیروی از مکتب پوزیتیویسم (اثبات‌گرایی) است، به ویژه در دهه‌های پس از جنگ تحمیلی و بی‌نظمی‌های ناشی از آن، امری مطلوب و مقبول جلوه کرده است. هر چند بخش قابل توجهی از فعالیت برنامه‌ریزی در ایران به دلیل فاصله‌داشتن از جغرافیای انسانی و به خصوص جغرافیای منطقه‌ای به دانش نظری لازم و کافی برای تعریف دقیق سیستم فضایی پیچیده‌ای مانند کلان‌شهر تهران مجهز نیست، ولی همچنان پروژه‌های مطالعاتی در این زمینه به مهندسان مشاور دارای تخصص کالبدی و کم‌بهره یا بی‌بهره از تخصص منطقه‌ای واگذار می‌گردد^[1]. تهران با تمام عناصر و کارکردهای خود امروزه به واسطه تراکم مخاطرات در ابعاد طبیعی و انسانی به عنوان مهم‌ترین چالش مدیریت سیاسی فضا در کشور به حساب می‌آید. مهم‌ترین بُعد این چالش تراکم جمعیت و فقدان مدیریت هماهنگ برای چیره‌شدن بر این مشکل و مشکلات ناشی از آن

است. تراکم و انباشت مشکلات تهران را باید در لایه‌های مختلفی جست‌وجو کرد که مهم‌ترین ریشه مسایل آن را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

آنچه امروز تهران نامیده می‌شود حاصل فرآیند تاریخی دست کم دوپست‌ساله‌ای است که به ویژه در ۱۰۰ سال اخیر، رشدی غیرقابل مقایسه با سایر نقاط کشور را تجربه کرده، رشدی که موجب عدم تعادل و ناکارآمدی شهر شد. هرگاه از تعادل در شهر تهران سخن به میان می‌آید، به ناچار تمرکزگرایی و تمرکززدایی نیز مورد بحث قرار می‌گیرد، زیرا با استناد به تمامی اسناد و پژوهش‌های موجود، عدم تعادل در شهر تهران ناشی از تمرکز شدید فعالیت‌ها و اقدامات در این شهر است. از آنجایی که نمی‌توان به لحاظ فضایی تهران را جدا از پس‌کرانه دور و نزدیک آن در نظر گرفت اولین مسأله‌ای که در این ارتباط به چشم می‌آید فقدان عدالت فضایی/جغرافیایی این پس‌کرانه‌ها است. مسأله بعدی که در انباشت مشکلات تهران سهم پُررنگی دارد، برنامه‌های توسعه مصوب و اجرا شده در ایران است که با هدف کاهش نابرابری منطقه‌ای و توسعه متوازن در فضای ملی انجام شده‌اند ولی به افزایش بی‌عدالتی فضایی منجر شده‌اند. عامل سوم شکل دهنده مشکلات کلان‌شهر تهران، نابرابری در استان‌های ایران از نظر تمرکز امکانات و ارزش افزوده در تهران است.

توسعه نامتوازن استان تهران و فاصله زیاد توسعه‌یافته‌ترین شهرستان‌ها با نواحی و شهرستان‌های کمتر توسعه‌یافته استان و فراموش نکردن این نکته که نواحی کمتر توسعه‌یافته قسمتی از نواحی مهاجرپذیر نیز هستند، لزوم توجه به این عنصر را بیشتر می‌کند. فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری کلان‌شهر از عوامل تشدیدکننده مشکلات پیش‌گفته است که باید با رویکردی مبنی بر آمایش عادلانه فضا به آن توجه داشت. برای کاهش تراکم مشکلات یادشده و افزایش پایداری در فضای شهر تهران، پژوهش حاضر با هدف تحلیل عدالت فضایی در ایران و سامان‌دهی سیاسی فضایی شهر تهران انجام شد.

این پژوهش از نوع روش توصیفی- تحلیلی است و تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در پی پاسخگویی به این سؤال است که برای سامان‌دهی بهینه شهر تهران و کم‌کردن اثرات سوء تراکم مشکلات از چه راهبردی باید استفاده کرد؟ تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش نیز به شیوه کیفی انجام شد.

عدالت و بی‌عدالتی فضایی

اصطلاح عدالت فضایی تا اواخر کمتر مورد توجه قرار می‌گرفت و عمدتاً در قالب مفاهیم مرتبطی مانند عدالت سرزمینی، عدالت محیطی، بی‌عدالتی‌های شهری، کاهش بی‌عدالتی‌های منطقه‌ای بیان می‌شد^[2]. برخی عدالت فضایی را فقط دسترسی برابر به تسهیلات عمومی اساسی تعریف کرده‌اند و معیار سنجش این نوع عدالت را نیز میزان فاصله از خدمات می‌دانند. برخی دیگر نیز عدالت فضایی را توزیع یکسان خدمات براساس نیازها، سلیقه، اولویت‌های ساکنان و استانداردهای خدمات‌رسانی تعریف کرده‌اند^[3]. منظور از عدالت فضایی یا جغرافیایی توازن نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی- زیربنایی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خُرد و کلان) یک کشور با شاخص‌های متناظر توسعه با آن در سطح ملی براساس نیاز و برابری است^[4]. عدالت فضایی براساس ایده‌ای که از عدالت اجتماعی گرفته شده، به این معناست که با ساکنین سرزمین (هر جایی که زندگی می‌کنند)، به طور برابر رفتار شود^[5]. عدالت فضایی در کلیتی فراگیر به رعایت حقوق برابر انسان‌ها یا بازیگران

سامان‌دهی سیاسی فضا در هر کشور در درجه نخست عرضه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و سپس اداره و کنترل افرادی است که در چهارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می‌کنند^[12]. سازوکار سازمان‌دهی سیاسی فضا در بُعد فضای ملی شیوه اداره سیاسی فضا به منظور توسعه منطقه‌ای، آمایش سرزمین، توسعه سرزمین و غیره را با دیدگاه همه‌جانبه، آینده‌نگر و راهبردی و با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعی، انسانی و اقتصادی در فضاهای جغرافیایی و نیازهای سنجیده و منطقی جامعه و اقتصاد که درصدد برقراری تعادل و توازن زیست-محیطی و ایجاد فرآیند توسعه پایدار سرزمینی است را به عنوان پایه و زیرساخت مدیریت سیاسی فضا ممکن می‌سازد^[13].

سازمان‌دهی سیاسی فضا از اهم مسائلی است که در یک کشور در حال رشد باید برای انجام برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و اداره بهتر سرزمین و بهره‌برداری بیشتر به آن توجه کرد. از نقطه نظر امنیت داخلی هدف سازمان سیاسی فضا شامل ایجاد نظام مطلوب ناحیه‌بندی سیاسی و مدیریت سرزمین به منظور حفظ یکپارچگی ملی، تمامیت ارضی، ارزش‌های اساسی و پایه‌ای و رشد و توسعه پایدار و متوازن نواحی در پرتو امنیت داخلی است؛ چنین هدفی متضمن توسعه پایدار و متوازن ناحیه‌ای است. سازمان‌دهی سیاسی فضا مقوله‌ای فنی و پیچیده است که عواملی مانند جمعیت و پراکندگی آن، ثروت اقتصادی و میزان تعادل و توازن منطقه‌ای، مساحت کشور و تنوع فضایی و تهدیدات و جهت‌های درونی و بیرونی آن را شامل می‌شود.

به منظور دستیابی به کارآمدترین راهکارها در اداره بهینه شهر تهران و درک بهتر ریشه مشکلات امروزی تهران نباید از توجه به کلیدهای اصلی آن غفلت کرد. آنچه در پی می‌آید تلاشی برای روشن‌تر کردن ابعاد مشکلات تهران و به مثابه نقطه شروع دستیابی به راهکارهای عملیاتی به منظور فایز آمدن یا کم‌اثر کردن دامنه نفوذ مشکلات بی‌شمار تهران است.

تهران انعکاس تمرکزگرایی در ایران

از نظر سیاسی تمرکز را می‌توان به جریانی که در آن به تدریج کنترل در دست مراکز یا افراد معدودی که به عنوان ساختار مرکزی قدرت محسوب می‌شوند، نسبت داد و این قدرت دوباره از آن مرکز به سمت نقاط پیرامونی اشاعه می‌یابد. البته تمرکز تنها از نظر سیاسی معنا نمی‌شود، بلکه زمینه‌های اقتصادی و مالی، اداری و کالبدی نیز از جنبه‌های دیگر تمرکز به شمار می‌روند. ایران به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، تا قبل از آغاز قرن حاضر، نظام شهری نسبتاً متعادلی داشته است، اما با به وجود آمدن حکومت متمرکز، تکیه بر درآمدهای نفتی و تزریق آن به قطب‌های انتخاب شده به ویژه تهران زمینه تمرکزگرایی فراهم شده و سبب شکل‌گیری و کاهش تعادل سرزمینی، شده است. به علاوه، عوامل سیاسی، اقتصادی، زیرساختی، جمعیتی و نیروی انسانی نیز به تمرکزگرایی تهران دامن زده و فاصله تهران از سایر مناطق کشور را افزایش داده است^[14]. حدود یک قرن از تمرکزگرایی تهران می‌گذرد و در این فاصله زمانی ایران در تمام ابعاد در تهران متمرکز شد. این تمرکزگرایی با تمرکز سیاسی، آغاز و به تمرکز همه‌جانبه رسید. در پی تمرکزگرایی مکانی ایران، تفکرهای توسعه‌ای نیز متمرکز شد. اکثریت برنامه‌ها و اقدام‌های صورت گرفته در راستای اهداف تهران متمرکز، جنبه قانونی و اجرایی به خود گرفت و همه افکار بر این شد که کشور مساوی با تهران است. در چنین شرایطی، مولفه‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی، بیشترین نقش را در نظام

اجتماعی، حفظ و پاسداری از کرامت انسانی آنها، تامین نیازهای اولیه زندگی و عزت نفس اجتماعی آنها توجه وافی دارد. عدالت فضایی بر این باور است که فضاهای گوناگون سکونت‌گاهی و از آن جمله سکونت‌گاه‌های حاشیه‌نشینان، پژواک و نمود عینی و فضایی اراده آگاهانه یا ناآگاهانه انسان‌ها، نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی، نظام بوروکراتیک، سیاست‌گذاری‌های کلان ملی، نظام‌های اجرایی و قانونی، مدیریت محلی و منطقه‌ای و غیره است؛ ساکنین این نواحی در حالی متأثر از شرایط و محرکه‌های گوناگون مجبور به سکونت در حاشیه‌ها شده‌اند که خودشان در ایجاد این شرایط هیچ گونه دخالتی نداشته‌اند^[6]. منظور از بی‌عدالتی فضایی توزیع نامتوازن فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضا است. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و غیره باشد.

آمایش سرزمین

ضرورت اجرای برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، در ایران از سال ۱۳۶۲ به منظور تکامل نظام برنامه‌ریزی ایران، مطرح شد^[7]. در واقع گسترش ناهمگون شهری در ایران طی دهه‌های اخیر و از طرفی ناکارآمدی نظام مدیریت برنامه‌ریزی و ضعف برنامه‌های توسعه ملی و آمایش سرزمین موجب شده، شهرها ساختار فضایی مناسب نداشته و با مشکلات فراوانی همراه باشد.

آمایش سرزمین به تنظیم بهینه روابط انسان با نوع فعالیت و محیط در فضای ملی به منظور بهره‌برداری منطقه‌ای از تمام امکانات و قابلیت‌ها برای بهبود وضع مادی و معنوی برای رفاه فرد و جامعه، می‌پردازد^[8]. هدف از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی از ظرفیت‌های آشکار و پنهان با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازهاست که عمدتاً با دیدی بلندمدت و به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین هویدا کردن نقش و مسئولیت خاص هر منطقه براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های آن به طور هماهنگ با دیگر مناطق است. براساس این نقش و مسئولیت که حاصل روندهای طبیعی و قانون‌مند هر منطقه به شمار می‌رود، برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای برنامه توسعه ملی می‌تواند در مناطق گوناگون اجرا شود^[9].

در تعیین مشخصات مکانی هر نوع استفاده از زمین و فعالیت شهری، دو عامل هدایت‌کننده یعنی عامل رفاه اجتماعی و عامل رفاه اقتصادی ملاک سنجش قرار می‌گیرند که با برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری می‌توان به سامان‌دهی مکانی فضایی فعالیت‌ها و عملکردهای شهری براساس خواسته‌ها و نیازهای جامعه شهری دست یافت^[10].

در واقع هدف آمایش سرزمین، توزیع بهینه جمعیت و فعالیت در سرزمین است، به گونه‌ای که هر منطقه متناسب با قابلیت‌ها، نیازها و موقعیت خود از طیف مناسبی از فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی برخوردار باشد و جمعیتی متناسب با توان و ظرفیت اقتصادی خود بپذیرد.

سامان‌دهی سیاسی فضا

سامان‌دهی سیاسی فضا به عنوان یکی از ابعاد تعیین‌کننده جوامع انسانی و بازتاب وقایع اجتماعی و محل تجلی ارتباطات اجتماعی است. از این رو تجزیه و تحلیل برهم‌کنش بین فضا و اجتماع در فهم بی‌عدالتی‌های اجتماعی و تنظیم سیاست‌های برنامه‌ریزی برای کاهش یا حل آنها ضروری است^[11]. مهم‌ترین هدف از

برنامه‌های توسعه ایران، هدف کاهش نابرابری، نتیجه افزایش بی‌عدالتی

ایران از دوران پهلوی تا امروز برنامه توسعه متعددی را تجربه کرده است. برنامه‌هایی که حداقل یکی از اهداف پیش‌بینی شده مشترک آنها، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و توسعه متوازن بوده است. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد، برنامه‌های توسعه پهلوی نتوانست از شکاف مرکز و پیرامون بکاهد. دولت‌های پس از انقلاب سال ۱۳۵۷، تاکید خود را بر همین نابرابری موجود گذاشتند و در گفتار رسمی مسئولان نظام جمهوری اسلامی رفع نابرابری‌ها و توجه ویژه به مناطق محروم به صورت ویژه مورد تاکید قرار گرفت. اگر در دهه نخست پس از انقلاب به دلایل شرایط ویژه جنگ ایران و عراق، برنامه مشخصی برای توسعه وجود نداشت، پس از جنگ برنامه‌های توسعه پنج‌ساله در دستور کار قرار گرفت و نقطه مشترک آنها هم همچنان محرومیت‌زدایی از مناطق محروم و توسعه متوازن اعلام شد.

اگر برنامه اول توسعه معطوف به بازسازی مناطق آسیب‌دیده در جنگ بوده، در برنامه دوم ایجاد تعادل منطقه‌ای به عنوان یکی از اهداف برنامه توسعه مطرح شده است. برنامه‌ریزان در سومین برنامه توسعه "تشکیل شورای برنامه‌ریزی استان‌ها به منظور ایجاد توازن منطقه‌ای و توسعه متعادل" را پیش‌بینی و در برنامه چهارم تدوین برنامه پنج‌ساله توسعه استان‌ها را با هدف توسعه متوازن و متعادل در دستور کار قرار داده‌اند.

در برنامه پنجم توسعه، "توزیع عادلانه مازاد درآمد استانی"، "توزیع منابع عمومی، یارانه و سود بانکی" و "توزیع منابع صندوق توسعه ملی" با هدف "توسعه مناطق توسعه‌نیافته و کمتر توسعه‌یافته"، "ایجاد تعادل و توازن منطقه‌ای" و "رفع تبعیض و کاهش عدم تعادل منطقه‌ای" به عنوان سیاست‌های توسعه‌ای مطرح و در برنامه گنجانده شده است.

دست‌آورد این برنامه‌ها در عمل چه بوده است؟ آیا توانسته است به رفع نابرابری‌ها و ایجاد تعادل منطقه‌ای بیانجامد؟ تغییری در فرآیند توسعه در ایران رخ داده است یا همچنان برنامه‌های توسعه، برخلاف آنچه در اسناد مکتوب برنامه‌های توسعه مورد تاکید قرار گرفته است، از الگوی مرکز-پیرامون پیروی می‌کند؟

بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد که دولت نتوانسته است به تعهدات خود در توسعه متوازن و کاهش نابرابری‌ها عمل کند و در مقابل جریان رسوب سود فعالیت‌های اقتصادی پیرامون مرکز را هم تشدید کرده است. از همین منظر است که پس از پنج برنامه توسعه، همچنان مقام‌های دولتی بر ضرورت توجه ویژه و سرمایه‌گذاری در مناطق محروم تاکید می‌کنند و گروه‌های ویژه‌ای برای محرومیت‌زدایی تشکیل می‌دهند اما آنچه در عمل رخ می‌دهد افزایش شکاف مرکز و پیرامون است؛ پیرامونی که از نظر جغرافیایی نیز در پیرامون و نقاط مرزی قرار گرفته و ساکنان آن را بیشتر اقلیت‌های قومی-ملی و مذهبی تشکیل می‌دهند و شائبه و احساس مورد تبعیض واقع شدن را برای آنها تداعی می‌کند.

نابرابری در استان‌های ایران و تمرکز امکانات در تهران و شهرهای بزرگ

ایران سرزمین پهناوری است که جغرافیای متمایزی دارد و امکانات مادی آن در این استان‌ها پراکنده شده است. این سرزمین با برکت است اما به دلایل گوناگون فاقد توازن و تعادل در بهره‌برداری و توزیع امکانات مالی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. با وجود تلاش‌های ۳۹ ساله با هدف متوازن‌سازی استان‌ها که راه

برنامه‌ریزی فضایی و توسعه کشور ایفا کردند. نبود نظام برنامه‌ریزی بخشی-ناحیه‌ای از یک سو و بخشی‌بودن برنامه‌ها به علت سلطه نظام تمرکزخواه و تمرکزگرا از سوی دیگر موجب شده بود نواحی در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه ایران مشارکت جدی و سازمان‌یافته نداشته باشند. به همین سبب، برنامه‌های توسعه، جدای از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت نواحی تهیه شدند و نه تنها به ایجاد تعادل‌های ناحیه‌ای منجر نشدند، بلکه نابرابری‌ها و قطبی‌شدن فضایی و بخشی را تشدید کردند. شاید بتوان گفت اکثر انقلاب‌ها و ناآرامی‌های کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر، در نبود تعادل منطقه‌ای ریشه داشته است. دولت‌های ملی در حال توسعه در حال حاضر، بیشتر مراقب دوری جستن از بی‌ثباتی سیاسی هستند و کمتر به تشویق توسعه سیاسی می‌پردازند؛ حتی اگر دولتی از جهات گوناگون اهمیت زیادی برای تمرکززدایی قایل نیست، حداقل از نظر حفظ خود و جلوگیری از بروز ناآرامی‌های سیاسی باید به این پدیده توجه کند. شرایط سیاسی در حال حاضر تمرکززدایی را تجویز می‌کند، زیرا یکی از مهم‌ترین اهداف ایران، ویژه پس از انقلاب، دستیابی به توسعه‌ای متعادل در سراسر ایران بوده است.

بسیاری از مشکل‌ها و چالش‌های نظام شهری و منطقه‌ای، در نظام کلان مدیریت و برنامه‌ریزی متمرکز و بخشی ریشه دارد که با تقویت بیش از حد نقش همه‌جانبه تصدی‌گری دولت در تهران، بر کارآمدی انواع طرح‌ها و برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای و حتی شهری و روستایی به صورت نامطلوب تاثیر گذاشته است؛ بنابراین برنامه‌های توسعه نباید تنها باهدف تراکم‌زدایی باشد بلکه تدوین و اجرای سیاست‌های تعادل‌بخشی و توسعه منطقه‌ای باید در دستور جدی قرار گیرند و با اراده ملی همه مناطق کشور را در فرآیند توسعه به مشارکت بطلبد، چرا که تراکم‌زدایی و فراقکنی فضایی و جغرافیایی به صورت ایجاد مراکز شهری تقریباً متصل به شهر تهران اتفاق افتاد و خود به ایجاد تمرکزهای جدیدی مانند کلان‌شهر کرج، شهر بزرگ اسلام‌شهر و غیره منجر شد [14].

بی‌عدالتی فضایی در ایران

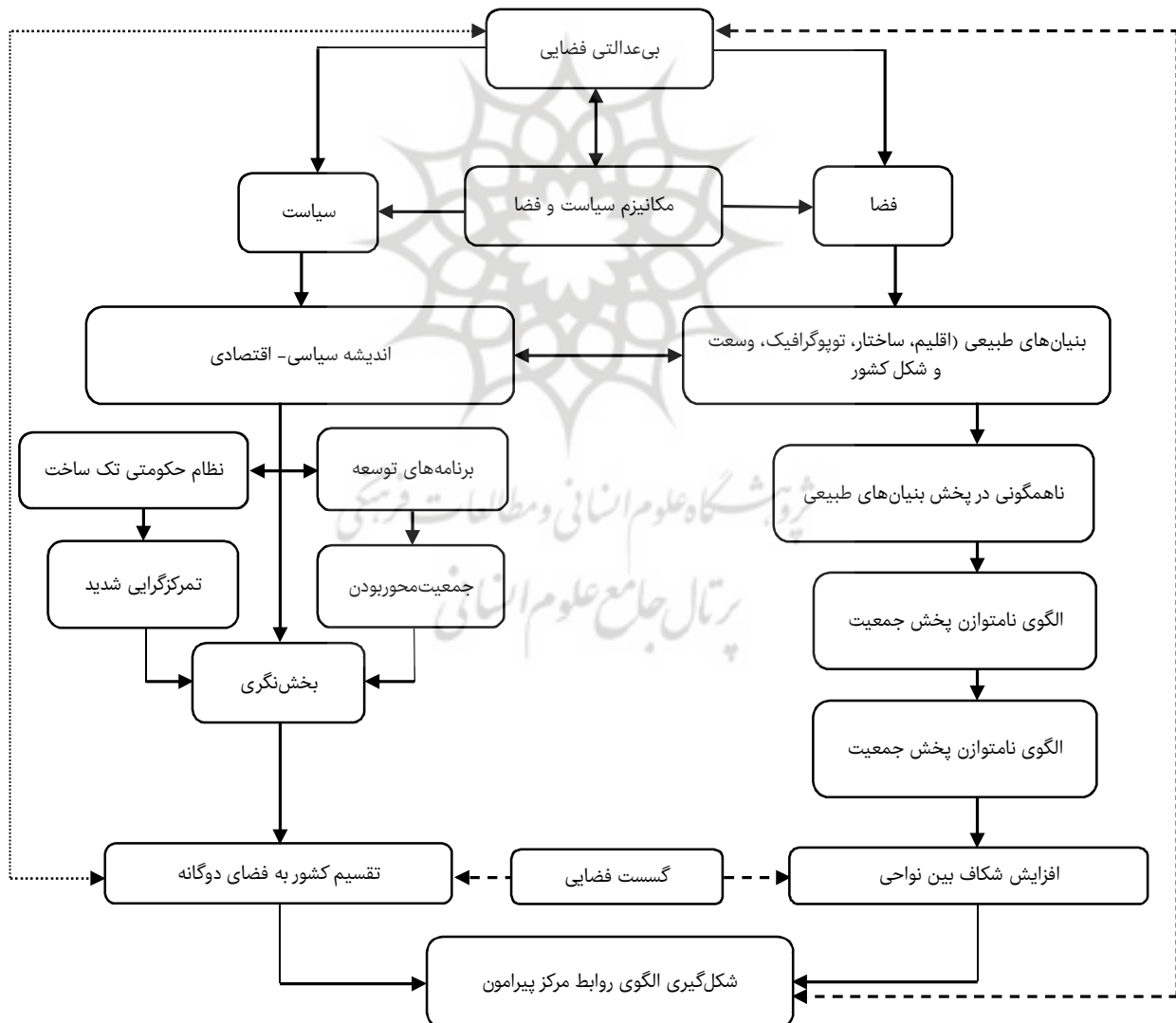
از دیگر ریشه‌های تراکم مشکلات تهران می‌توان به بی‌عدالتی فضایی در ایران اشاره کرد که خود نیز ناشی از عوامل متعدد دیگری است که پرداختن به آن در این پژوهش نمی‌گنجد. توزیع نامتوازن بنیادهای طبیعی، الگوی بسیط حکومت و تمرکزگرایی‌های ناشی از آن و به تبع آن عملکرد بخشی از نظام برنامه‌ریزی زمینه‌های اصلی شکل‌گیری بی‌عدالتی فضایی را در ایران به وجود آورده‌اند. حاکمیت برنامه‌ریزی از بالا به پایین و عدم واگذاری اختیارات به سطوح پایین تقسیماتی موجب عدم شناخت صحیح و انتظارات متناسب با ظرفیت‌های طبیعی شده و به بی‌عدالتی‌های جغرافیایی ناشی از نابرابری‌های جبری در بنیادهای زیستی ایران دامن زده است. بی‌عدالتی فضایی در ایران به عنوان یک پدیده، خود معلول عوامل بنیادی مانند بستر طبیعی که در برگیرنده شکل و کالبد و همچنین اقلیم آن است از یک سو، و بستر انسانی که ویژگی عمده آن را می‌توان در اقتصاد سیاسی فضا و به ویژه نظام بسیط حکومت‌داری و الگوهای غالب برنامه‌ریزی با نقاط ضعفی همانند عدم توجه به برنامه‌ریزی‌های منطقه‌ای، عدم توجه به تقسیم کار ملی و عدم وجود حساب‌های منطقه‌ای از سوی دیگر است. مدل مفهومی آن را می‌توان در قالب مدل بنیادهای بی‌عدالتی فضایی در ایران (مدل ۱)، وضعیت عدالت فضایی در ایران (جدول ۱) و وضعیت ایران براساس شاخص عدالت فضایی به نمایش گذاشت [15].

و از همه پهنه این سرزمین استفاده شود اما شرایط هنوز نامساعد است.

مهاجرت‌های مخرب و در نتیجه افزایش بی‌رویه جمعیت در مراکز شهری به ویژه تهران و شهرک‌های اقماری اطراف آن را مسدود کند

جدول (۱) وضعیت عدالت فضایی در کشور ایران

استان‌ها	شاخص عدالت فضایی	فاصله با میانگین ملی	استان‌ها	شاخص عدالت فضایی	فاصله با میانگین ملی
آذربایجان شرقی	۰/۳۳۵۲۹۳۶۸	-۰/۱۱۵۴۱۶۸۳	سیستان و بلوچستان	۰/۲۸۹۱۴۵۴۷	-۰/۰۵۷۶۸۹۸۹۵
آذربایجان غربی	۰/۳۲۸۷۲۴۳۶	-۰/۱۸۱۱۱۰۰۷	فارس	۰/۳۴۲۱۴۲۸۸	-۰/۰۰۴۶۹۲۴۸۹
اردبیل	۰/۳۶۳۰۰۹۲۷	-۰/۱۶۱۷۳۹۰۷	قزوین	۰/۳۶۳۲۹۱۵۲	-۰/۱۶۴۵۶۱۵۴
اصفهان	۰/۳۶۳۶۲۳۸۳	-۰/۱۶۷۸۸۴۵۸	قم	۰/۴۵۱۳۶۹۷۲	-۰/۱۰۴۵۳۴۳۵۷
البرز	۰/۳۰۵۷۴۳۹۶	-۰/۰۴۱۰۹۱۴۰۳	کردستان	۰/۳۴۴۴۴۹۱۴	-۰/۰۰۲۳۸۶۲۲۴
ایلام	۰/۳۲۶۵۲۹۹۵	-۰/۰۲۰۳۰۵۴۲	کرمان	۰/۳۱۷۳۳۵۶۵	-۰/۰۲۹۴۹۹۷۱۸
یوشهر	۰/۳۸۲۲۲۳۹۲	-۰/۰۳۵۳۸۸۵۵۵	کرمانشاه	۰/۳۳۰۱۶۴۵۲	-۰/۰۱۶۶۷۰۸۴۶
تهران	۰/۳۷۲۴۷۲۶۳	-۰/۰۲۵۶۳۷۲۶	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۳۶۷۲۴۵۵۹	-۰/۰۲۰۴۱۰۲۲/۰
چهارمحال بختیاری	۰/۳۵۳۳۵۱۲۶	-۰/۰۰۶۵۱۵۸۹۲	گلستان	۰/۳۲۵۵۰۶۶۵	-۰/۰۲۱۳۲۸۷۲
خراسان جنوبی	۰/۳۳۷۰۰۴۰۷	-۰/۰۰۰۹۸۳۱۳۰۱	گیلان	۰/۳۳۰۶۳۱۶۹	-۰/۱۶۲۰۳۶۷۸
خراسان رضوی	۰/۳۳۴۵۷۶۰۷	-۰/۰۱۲۲۵۹۳	لرستان	۰/۳۳۳۱۶۶۷۷	-۰/۰۱۳۶۸۵۹۵
خراسان شمالی	۰/۳۶۳۰۲۷۳۶	-۰/۱۶۱۹۱۹۹۴	مازندران	۰/۳۳۹۶۷۹۸۲	-۰/۰۰۷۱۵۵۵۴۵
خوزستان	۰/۳۴۳۹۵۹۹۱	-۰/۰۰۲۸۷۵۴۵۹	مرکزی	۰/۳۴۸۹۵۱۳۹	-۰/۰۰۲۱۱۶۰۲۱
زنجان	۰/۳۴۶۲۲۰۵۶	-۰/۰۰۰۱۶۴۸۰۵	هرمزگان	۰/۳۲۲۳۷۲۱۷	-۰/۰۲۴۴۶۳۱۹۲
سمنان	۰/۳۸۷۰۱۳۷۱	-۰/۰۴۰۱۷۸۳۴۷	همدان	۰/۳۳۷۶۴۰۹۸	-۰/۰۰۹۱۹۴۳۹



مدل (۱) بنیادهای بی‌عدالتی فضایی در ایران

مرکز آمار ایران با انتشار گزارش "سیمای استان‌های کشور از نگاه حساب‌های منطقه‌ای در سال ۱۳۹۰" با تاکید بر بخش‌های ۱۵ گانه "سیمای نابرابری در ۱۵ مقوله مختلف را بین ۳۱ استان ایران نشان داده است^[16] (خلاصه شده در جدول ۲).

در مقوله‌هایی که استان تهران حایز رتبه نخست است اختلاف فاحشی از نظر سهم ارزش افزوده با استان‌های بعد از خود دارد. نابرابری‌های یادشده، تمرکز امکانات و ارزش افزوده در تهران یکی از عوامل اصلی تراکم شدید فعالیت‌ها و پیچیده شدن مشکلات شهر تهران محسوب می‌شود.

توسعه نامتوازن استان تهران

استان تهران با وجود اینکه یکی از غنی‌ترین استان‌های کشور از نظر شاخص‌های توسعه است ولی پراکنش فضایی امکانات در داخل استان به صورت متوازن نیست و از این نظر تفاوت‌های زیادی بین نواحی و مناطق در این گستره فضایی وجود دارد. از مهم‌ترین بازخوردهای این عدم تعادل فضایی در استان تهران، رشد حومه‌نشینی و ناهنجاری فضایی ناشی از آن و هجوم از حاشیه‌های یادشده به سمت شهر تهران برای پیدا کردن کار با توجه به انباشت ثروت ناشی از انباشت امکانات و سهم ارزش افزوده از

دیگر ابعاد مشکلات شهر تهران است. احمدی و اسماعیل‌زاده در پژوهش خود تحت عنوان "ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان تهران" براساس پنج عامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی و زیربنایی و استفاده از ۳۶ شاخص به تحلیل این نابرابری پرداخته‌اند و نتایج نشان‌دهنده جذب اکثر امکانات توسط شمیران، با امتیاز ۰/۴۴۲۷ به عنوان برخوردارترین شهرستان و شهرستان قدس نیز ۰/۹۸۲۹ محروم‌ترین شهرستان استان محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که شهرستان‌های قدس، ملارد، اسلامشهر، رباطکریم، پاکدشت و ورامین جزء مهاجرپذیرترین نقاط استان بوده و نیازمند توجهات ویژه در زمینه برخورداری عادلانه از امتیازات استانی به منظور رفع فشارهای ناشی از توسعه‌نیافتگی آنها بر شهر تهران احساس می‌شود، تا این طریق ضمن سامان‌دهی و آمایش شهرستان‌های یادشده حجم فشارهای واردشده از ناحیه کمان اول توسعه‌نیافته پیرامون شهر تهران در کوتاه و میان‌مدت مدیریت شود. خلاصه امتیازات کسب‌شده شهرستان‌های استان تهران در قالب عامل‌های ۵ گانه و شاخص‌های ۳۶ گانه در جدول ۳ نشان داده شده است^[17] (جدول ۳).

جدول ۲) سیمای استان‌های کشور از نگاه حساب‌های منطقه‌ای در سال ۱۳۹۰

بخش	بیشترین ارزش افزوده	کمترین ارزش افزوده
کشاورزی، جنگلداری و شکار	مازندران، فارس، کرمان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی و اصفهان	قم، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام
معدن	خوزستان، کهگیلویه و بویر احمد، ایلام و بوشهر	۲۵ استان که کمتر از ۱٪ ارزش افزوده بخش معدن را به خود اختصاص داده‌اند.
صنعت	تهران، اصفهان، خوزستان و بوشهر	کهگیلویه و بویر احمد و ایلام
آب، برق و گاز طبیعی	بوشهر، تهران، اصفهان و خوزستان	خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد و البرز
ساختمان	تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان	خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال بختیاری
حمل و نقل	تهران، خوزستان، اصفهان و خراسان رضوی	خراسان شمالی، خراسان جنوبی و کهگیلویه و بویر احمد
واسطه‌گری‌های مالی	تهران، اصفهان، خراسان رضوی و فارس	خراسان جنوبی، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام
مستغلات	تهران، خراسان رضوی و البرز	چهارمحال بختیاری، کهگیلویه و بویر احمد و ایلام
اداره امور عمومی و خدمات شهری	تهران، خراسان رضوی، خوزستان، اصفهان، فارس و کرمانشاه	ایلام، کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال بختیاری
آموزش	تهران، خراسان رضوی، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی	خراسان جنوبی، سمنان و ایلام
بهداشت اجتماعی	تهران، خراسان رضوی، اصفهان و خوزستان و فارس	ایلام، خراسان جنوبی و خراسان شمالی

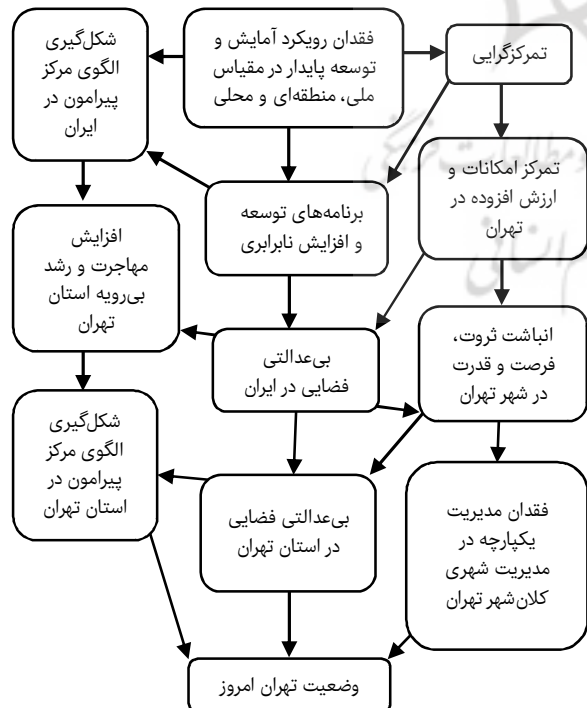
جدول ۳) رتبه‌بندی شهرستان‌های استان تهران در شاخص‌های مختلف

شهرستان	جمعیت	تراکم در کیلومتر مربع	نرخ خالص مهاجرت	فرهنگی - اجتماعی		اقتصادی		بهداشتی		زیر بنایی		مجموع
				رتبه توسعه‌یافتگی	ضریب توسعه‌یافتگی	رتبه توسعه‌یافتگی	ضریب توسعه‌یافتگی	رتبه توسعه‌یافتگی	ضریب توسعه‌یافتگی	رتبه توسعه‌یافتگی	ضریب توسعه‌یافتگی	
استان	۱۲۴۰۳۷۱۳	۸۹۴	۵/۹۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-
اسلامشهر	۴۴۸۸۴۰	۵/۴۹۹۱	۲/۳	۰/۶۹۹۳	۷	۰/۵۸۴۶	۶	۰/۷۲۷۰	۵	۰/۸۷۹۹	۷	۰/۷۰۰۲
پاکدشت	۲۴۲۶۶۷	۴۹۴	۱۰/۱	۰/۷۹۳۶	۸	۰/۵۳۳۵	۳	۰/۷۸۴۹	۷	۰/۶۶۲۴	۵	۰/۷۸۹۵
تهران	۷۹۶۸۸۰۷	۵۰۷۸	-۳/۴	۰/۴۹۴۲	۲	۰/۵۱۴۸	۲	۰/۷۳۳۵	۶	۰/۶۱۸۸	۳	۰/۵۹۰۷
دماوند	۹۸۰۵۱	۵۴	۳/۴	۰/۶۸۹۴	۶	۰/۵۷۹۲	۵	۰/۴۳۶۴	۲	۰/۵۰۲۶	۲	۰/۵۵۱۹
رباط کریم	۶۱۴۵۲۱	۷۶۵	۷/۸	۰/۸۰۵۵	۱۰	۰/۷۲۹۶	۹	۰/۸۳۹۵	۸	۰/۹۵۹۴	۸	۰/۸۳۳۵
شمیرانات	۳۸۳۰۷	۳۷	۲/۷	۰/۴۶۳۱	۱	۰/۵۶۷۲	۴	۰/۳۱۱۸	۱	۰/۴۲۷۸	۱	۰/۴۴۲۷
شهر ری	۲۹۷۶۹۳	۱۶۳	۳/۰	۰/۵۴۶۷	۳	۰/۴۷۹۸	۱	۰/۶۹۲۲	۴	۰/۷۱۷۳	۶	۰/۶۰۹
شهریار	۱۰۴۴۸۱	۱۷۱۱	۹/۲	۰/۶۸۰۲	۴	۰/۵۸۹۸	۷	۰/۹۱۱۱	۹	۰/۹۶۵۳	۱۰	۰/۷۸۶۶
فیروزکوه	۳۹۲۸۰	۱۶	۸/۵	۰/۶۸۴۷	۵	۰/۷۳۵۶	۱۰	۰/۹۱۶۴	۳	۰/۶۴۶۵	۴	۰/۶۷۰۸
قدس	۷۷۷۲۳۷	۴۰۹۴	۸/۹	۰/۹۸۷۰	۱۲	۰/۹۸۸۳	۱۲	۰/۹۷۸۸	۱۱	۰/۹۷۷۵	۱۱	۰/۹۸۲۹
ملارد	۲۹۰۸۱۷	۴۱۷	۱۵/۴	۰/۸۴۴۳	۱۱	۰/۹۵۴۵	۱۱	۰/۹۹۰۱	۱۲	۰/۹۸۴۳	۱۲	۰/۹۴۳۳
ورامین و پیشوا	۵۴۲۸۱۲	۵/۳۷۴	۳/۴	۰/۷۹۹۲	۹	۰/۷۲۵۴	۸	۰/۹۱۶۶	۱۰	۰/۹۶۲۴	۹	۸۵۰۹/۰

نواحی بدون توجه تفاوت‌های موجود بین آنها، عدم شکل‌گیری شوراهای منطقه‌ای و ضعف مکانیزم‌های نظارت رنج می‌برد. علاوه بر موارد فوق تهران با مسایل خاص خود همچون تراکم روزافزون، گسترش بی‌رویه و نامنظم در حومه‌ها، فقدان زیرساخت‌های حمل‌ونقل کلان‌شهری، مسایل زیست‌محیطی و غیره نیز دست به گریبان است که در چهارچوب سیستم مدیریت شهری کنونی نمی‌توان به راه‌حل‌های متناسب آنها دست‌یافت.

نتیجه‌گیری

قرارگرفتن روی گسل زلزله، بحران کم‌آبی، آلودگی هوا، ترافیک، انبوهی جمعیت، ضعف در زیرساخت‌ها و فقدان امکانات لازم برای مدیریت بحران در مواقع اضطراری، تنها بخشی از نارسایی‌ها و مشکلات موجود در پایتخت هستند که هرکدام از موارد یادشده به تنهایی یک تهدید بالقوه تلقی می‌شوند و برای به چالش کشیدن سیستم مدیریتی و حاکمیتی، چگالی بالایی دارند. پیچیدگی‌های مشکلات امروز کلان‌شهر تهران را که طی تاریخ یک‌صدساله اخیر به انباشتگی رسیده است را می‌توان در یک چهارچوب مفهومی ویژه که در بر گیرنده سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی باشد، تحلیل کرد. می‌توان ادعا کرد که فقدان رویکرد آمایش و توسعه پایدار در مقیاس ملی، منطقه‌ای و محلی در نظام برنامه‌ریزی ایران قبل از هر چیز منجر به تمرکزگرایی شدید و نهادینه شده است. مساله بعدی که از فقدان رویکرد آمایش و توسعه پایدار در نظام برنامه‌ریزی ناشی می‌شود شکل‌گیری الگوی مرکز پیرامون در ایران است که خود نیز به مسایل دیگر منجر می‌شود. عملکرد برنامه‌های توسعه در قبل و بعد از انقلاب نیز به نامتوازن شدن الگوی حاکم بر ساختار فضایی ایران منجر شده است. علاوه بر موارد فوق بی‌عدالتی فضایی/جغرافیایی در ایران و به تبع آن در استان تهران و همچنین فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران مشکلات امروز تهران را سبب شده است (مدل ۲).



مدل ۲) بنیادهای مشکلات کلان‌شهر تهران

فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران

فقدان مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران یکی دیگر از محورهای اساسی پیچیده‌شدن مشکلات کلان‌شهر تهران است که به‌شدت تابعی از ساختار حاکم بر نظام مدیریت شهری کشور است.

نظام مدیریت شهری ایران به دلیل تمرکز در ساختار سیاسی- مدیریتی کشور نسبت به سیستم‌های فدرالست و نظام‌های ملی و منطقه‌ای دارای رابطه‌ای خطی- عمودی و یک سویه‌ای است که آن را به سوی مدیریتی منفعل سوق داده است. به دنبال آن فقدان انسجام کافی در تعاملات سیستمی با سطوح فرودست و داخلی آن را به مدیریتی نامنجم تبدیل کرده است و در نهایت از نظر ابعاد محیطی نیز مدیریت شهری ایران به دلیل عدم برخورداری از بسترهای مناسب سیاسی، اجتماعی، مالی، حقوقی و مشارکت ناکافی کنشگران اجتماعی در محیطی نامساعد در حال توسعه فعالیت است. در شهر تهران نیز با توجه به تعریفی که از کلان‌شهر به عنوان کل عملکردی همبسته‌ای شامل چندین قلمرو مستقل حکومتی و مدیریت شهری ارایه می‌شود و به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران حکومت و حکمروایی کلان‌شهری، بزرگ‌ترین چالش در اداره و حکمروایی شهر- منطقه، تفرق سیاسی یا فقدان انطباق قلمرو عملکردی (منطقه کلان‌شهری) با قلمرو سازمانی (ساختار حکومت محلی یا مدیریت شهری) و تفرق عملکردی معرفی شده است^[18]. انتخاب نوع مدل مدیریت شهری بازتابنده نگرش حاکم بر تنظیم روابط شورا و شهرداری و مهم‌تر از همه، بیانگر میزان مشارکت و قدرت اجرایی است. یکی از مباحث مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره شهر و قرارگیری قدرت در دست مدیران شهری است. از سوی دیگر، مدل اداره شهر رابطه نزدیکی با حل یا ایجاد مسایل شهری دارد. مدل‌های مدیریت شهری با توجه به قدرتی که به اداره‌کنندگان امور شهری می‌دهند، نوع برخورد و تصمیم‌گیری در مسایل شهری را در آن چهارچوب فراهم می‌کنند و به دلیل تاثیرگذاری زیاد این نوع مدل‌ها بر شهر و در اختیار داشتن ابزار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، عاملی مهم در حل‌کردن یا ایجاد مسایل شهری هستند. رابطه میان این مدل‌های مدیریت شهری و مسایل شهری، رابطه‌ای علت و معلولی است. بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که از عملکرد مدل مدیریتی شهری، مسایل شهری به وجود می‌آید و با ارایه راهبردهای این مدل است که مسایل شهری حل شده و به صورت مطلوب درمی‌آید^[19]. براساس تحلیل الگوی مدیریتی تهران و ویژگی‌های این نوع مدل در ایران به ویژه انتصابی‌بودن شهردار، وابستگی شدید عناصر قدرت شهری مدل مدیریت شهری تهران به ساختار کلان قدرت و فقدان و کمبود نهادهای مدنی و مشارکت مردمی، سبب تبدیل عرصه مدیریت شهری به یک عرصه تجدید قدرت برای گروه‌های قدرت سیاسی در سطح ملی شده است و به دنبال آن بیشترین امکانات فنی و مالی در این عرصه، صرف تجدید قوای مسئولان سابق می‌شود و به وضوح بین مسئولان نهادهای دولتی و غیردولتی، مدیریت شهری در کلان‌شهر تهران به عنوان یک سکوی پرتاب برای رسیدن و در اختیارگرفتن قدرت ملی مبدل شده است^[19]. نظام مدیریت شهری در ایران به طور عام و نظام مدیریت شهری تهران به طور خاص از نقاط ضعف مهمی همچون عدم تفکیک مدیریت سیاسی از مدیریت تخصصی، محدودبودن ظرفیت نهادهای مدیریت شهری، یکسان‌بودن مدل اداره امور شهر در تمام

2012 Dec]. Available from: <https://www.jssj.org/wp-content/uploads/2012/12/JSSJ1-1en4.pdf>. [French]

3- Liao ChH, Chang HSh, Ko-Wan T. Explore the spatial equity of urban public facility allocation based on sustainable development [Internet]. Framingham: Real Corp; 1996 [cited 2009 Apr]. Available from: http://www.corp.at/archive/CORP2009_48.pdf.

4- Ahmadi SA. Scientific opinions of Dr. Mohammad Reza Hafeznia. Mashhad: Papoli; 2016. [Persian]

5- Tsou KW, Yu-Ting H, Yao-Lin Ch. An accessibility-based integrated measure of relative spatial equity in urban public facilities. *Cities*. 2005;22(6):424-35.

6- Javan J, Abdollahi A. Spatial justice in urban dual spaces (geopolitical explanation of inequality patterns in the margin of Mashhad). *Geopolitics*. 2008;4(2):131-56. [Persian]

7- Poulad-Dezh M. Industrial location and project efficiency. Tehran: Bonyad Press; 1997. [Persian]

8- Sarvar R. Applied geography and land use planning. Tehran: Samt; 2009. [Persian]

9- Alden RMJ. Regional planning: A comprehensive view. Hoboken: John Wiley and Sons; 1974.

10- Razavian MT. Urban landuse planning. Tehran: Munshi; 2002. [Persian]

11- Dufaux F, Geravis-Lambony Ph, Lehman-Frisch S, Moreau S. Birth announcement [Internet]. Nanterre: Justice spatial/spatial justice; 2009 [Cited 2012 Apr]. Available From: <https://www.jssj.org/wp-content/uploads/2012/12/JSSJ1-0en2.pdf>.

12- Poor Mousavi SM, Mirzadeh Kooeshani M, Rahnama Ghare Khanbegloo J. Political organization of the cultural space and functional regions of Iran. *Geopolitics*. 2008;4(3):75-101. [Persian]

13- AhmadyPoor Z, Ghanbari Gh, Karami Gh. The political organization of space. Tehran: National Geography Organization of Iran; 2012. [Persian]

14- Yasoori M, HatamiNejad H, Asadzadeh H. Analysis of the causes and circumstances of Tehran centralization in the past three decades. *Hum Geogr Res Q*. 2012;44(3):111-26. [Persian]

15- Ghaderi Hajat M. Designing a model for spatial justice in countries, case study: Iran [Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2014. [Persian]

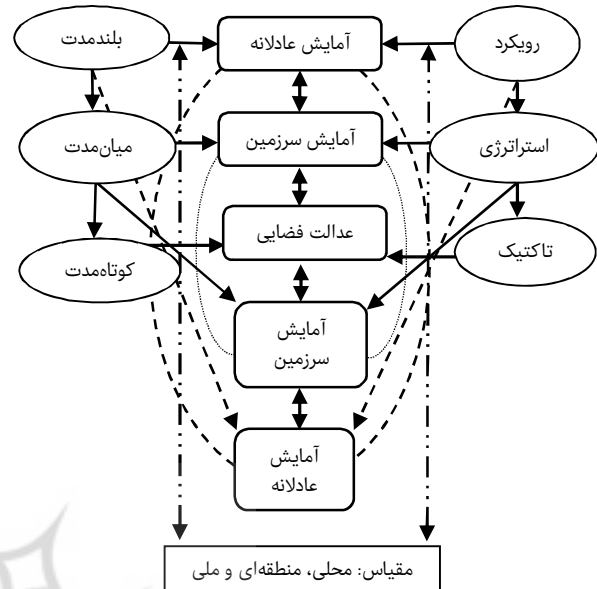
16- Hossein-Zadeh J, Farhadi A. Report of the provinces of the country from the perspective of regional accounts in 2011 with an emphasis on the 15 sections. *Stat J*. 2015;2(5):21-7. [Persian]

17- Ahmadi H, Esmaeilzadeh Y. Evaluation of development rate in Tehran province. *J Stud Hum Settlements Plan*. 2014;9(27):75-95. [Persian]

18- Hossein-Poor SA. Analysis of barriers to creating integrated urban management with an emphasis on the role of governmental institutions, case study: Tehran [Dissertation]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2011. [Persian]

19- Nazariyan A. Managerial analysis of Tehran city. *Hum Geogr Res Q*. 2012;44(3):111-26. [Persian]

برای حل مشکلات شهر تهران و همچنین اداره بهینه آن باید با توجه به منابع موجود با رویکرد آمایش عادلانه به فضا و در قالب استراتژی آمایش سرزمین با استفاده از تاکتیک عدالت فضایی در سه افق کوتاه، میان و بلندمدت برنامه‌ریزی کرد، تا ضمن متوقف کردن روند افزایشی مشکلات شهر تهران و پس‌کرانه نزدیک آن، زمینه اداره بهینه شهر تهران فراهم شود (مدل ۳).



مدل ۳) استراتژی دستیابی به راهکارهای بهینه اداره کلان‌شهر تهران

تشکر و قدردانی: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند که از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس به واسطه حمایت‌های صورت گرفته کمال تشکر و قدردانی را به عمل آورند.

تأییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

تعارض منافع: تعارض منافعی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: مصطفی قادری حاجت (نویسنده اول)، نگارنده مقدمه/روش‌شناس/پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری (۷۰٪)؛ حسین مختاری هشی (نویسنده دوم)، پژوهشگر کمکی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۳۰٪)

منابع مالی: پژوهش فوق مستقل بوده و از حمایت مالی برخوردار نبوده است.

منابع

1- Tabrizi J. What is the organization of Tehran?. Proceedings of the conference on decentralization and capitalization. Tehran: Tarbiat Modares University; 2015. pp. 85-97. [Persian]

2- Soja E. The city and spatial justice [Internet]. Nanterre: Justice spatial/spatial justice; 2008 [cited